

## وقایع تنگک و تنگستان ساحلی در نخستین ماههای جنگ جهانی اول؛

### نقض بی طرفی ایران و شکل گیری مقاومت های مردمی

عبدالرسول خیراندیش \* / سکینه ذاکری \*\*

دریافت مقاله: ۹۴/۰۱/۱۶

پذیرش مقاله: ۹۴/۰۴/۰۱

#### چکیده

در سراسر سالهای جنگ جهانی اول گستره جغرافیایی ایران عرصه مقاومت ملیون در برابر نیروهای بیگانه بوده است؛ اما در این میان تنگستان و تنگستانی ها آوازه ای بلند یافته اند. یکی از دلایل این امر پیوستگی خاک تنگستان به بوشهر، مهم ترین بندر تجاری ایران در دوره قاجاریه بود. دلیل دیگر، پیشقدمی تنگستانی ها در مقابله با متجاوزانی بود که بی طرفی ایران را در جنگ نقض کرده بودند. در این روستای کوچک تنگک و کدخدای آن، حاج علی تنگکی، از یک سو، و باریکه ساحلی تنگستان با ضابطی رئیسعلی دلواری نقش خاصی در آغاز شکل گیری مقاومت عمومی مردم جنوب ایران طی ماه های اول جنگ جهانی اول داشته اند، به طوری که این ناحیه کوچک و رویدادهای آن، که ابعادی محلی داشت، در کانون تحولات ملی ایران آن روزگار قرار گرفت. نقض بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول در مقیاس های ملی و بین المللی بررسی شده است؛ اما هدف این تحقیق آن است تا با روش استنادی نشان دهد، رخدادهایی هرچند در مقیاس محلی چگونه آغازگر نقض بی طرفی ایران شده اند و، بدین ترتیب، ابعاد جدیدی از ظرفیت های تحقیق در تاریخ محلی مورد بررسی قرار گیرد. چنان که در این تحقیق، نخستین بار، مستند و مبسوط، نقش حاج علی تنگکی بازنشاسی و معرفی شده است.

کلیدواژه: تنگک، بوشهر، تنگستان، حاج علی تنگکی، رئیسعلی دلواری، موقرالذوله، مخبرالسلطنه.

\* دانشیار رشته تاریخ دانشگاه شیراز. پست الکترونیک: arkheirandish@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری واحد بین الملل دانشگاه شیراز. ( نویسنده مسئول). پست الکترونیک: sakineh.zakeri@chmail.ir

## مقدمه

در اواخر ژانویه ۱۹۱۵م /ربیع الاول ۱۳۳۳ق<sup>۱</sup>، با آمدن واسموس به منطقه برای حفظ و حراست از منافع آلمان، برنامه ریزی انگلیس برای دستگیری او که نقض آشکار بی طرفی ایران بود، به اجرا درآمد و این از حوادثی بود که قبل از اسارت حاج علی تنگکی در بوشهر رخ داد.

چهار ماه پس از جنگ جهانی اول، در ۸ مارس ۱۹۱۵م / ۲۱ ربیع الثانی ۱۳۳۳ق لیستمان، کنسول آلمان در بوشهر، دستگیر شد و، بدین ترتیب، بار دیگر بی طرفی ایران در جنگ توسط انگلیسی ها دوباره نقض شد و یک ماه پس از آن قوای نظامی انگلیس مستقر در بوشهر او را به بصره و سپس هند فرستادند.

این دخالت آشکار، مجاهدان را به حرکت درآورد و منجر به آن شد که هشت ماه پس از جنگ جهانی اول، درگیری در تنگک، همراه با دستگیری حاج علی و همراهانش رخ دهد که پس از یک ماه اسارت در بوشهر به هند تبعید شدند. بدین ترتیب، سومین بار دخالت نظامی در یک کشور بی طرف محقق شد. پس از دستگیری و تبعید حاج علی نیروهای مبارز مردمی دست به حملات تلافی جویانه شدیدی علیه قوای بیگانه در بوشهر زدند. رئیسعلی دلواری که درگیری قهرآمیز نظامی و اسارت حاج علی تنگکی توسط نیروهای بیگانه را در منطقه برنتابیده بود، قصد تلافی و اخراج آنها را از بوشهر داشت که پس از حمله های مکرر به آنان در ماه سپتامبر سال ۱۹۱۵

طی سال های جنگ جهانی اول (۱۳۳۸-۱۳۳۳ق / ۱۹۱۸-۱۹۱۴م)، دولت مرکزی ایران بسیار بی ثبات بود. این در حالی بود که نیروهای روسی، بریتانیایی و عثمانی با نقض بی طرفی ایران، نواحی گسترده ای را دستخوش ناآرامی ساخته بودند. در فقدان دولت با ثبات و ارتشی مقتدر که بتواند حافظ مرزها باشد، در بسیاری از نقاط کشور، نیروهای محلی به دفاع در برابر بیگانگان پرداختند. علاوه بر انگیزه های دینی و ملی موثر در شکل گیری چنین مقاومت هایی، موقعیت جغرافیایی این مناطق نیز در پیدایی این روند نقش مهمی داشته است؛ روندی که منجر به تکوین مبارزه استقلال طلبانه ایرانیان در برابر بیگانگان شد. در واقع مقاومت در برابر تهاجم بیگانه در آن سال ها گرچه دارای روح واحدی مبنی بر پی گیری آرمان های میلیون ها ایرانی بود، در عمل، عبارت از مقاومت های محلی پراکنده ای بود که در هر منطقه، بنا به مقتضیات جغرافیایی و انسانی آن، پدیدار می شد. از جمله روستای کوچک تنگک در مجاورت شهر بوشهر، شاهد نخستین موارد نقض بی طرفی ایران و واکنش در قبال آن بود. در اینجا کدخدای روستا، حاج علی تنگکی، که متحد و همراه رئیسعلی دلواری بود پیشقدم مبارزه با بیگانگان شد.

توضیح آنکه، با شروع جنگ جهانی اول در ۱۴ نوامبر ۱۹۱۴م برابر با ۱۲ ذیحجه ۱۳۳۲ق دولت ایران بلافاصله اعلام بی طرفی کرد. سه ماه بعد

۱. تاریخ های میلادی با مراجعه به تقویم تطبیقی یکصد و چهل و یک ساله حسام سرلئی محاسبه شد.

واسموس از برازجان به ایالت فارس فرستاده شده بود به وزارت داخله در تهران مخابره و شکایت او را به مرکز منعکس کرده است. در تلگراف اول در تاریخ ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۳۳ق/ ۹ مارس، واسموس اظهار داشته که چگونه به او حمله کرده‌اند (بیات: ۱۳۸۱، سند شماره ۶، ۱۸۰). کمی بعد انگلیسی‌ها لیستمان، کنسول آلمان در بوشهر، را هم دستگیر کردند. مخبرالسلطنه به نقل از واسموس در تلگراف دوم در مورد دستگیری کنسول آلمان در بوشهر نگاشته: " دیشب ۲۱ ربیع الثانی ۱۳۳۳ انگلیس‌ها در بوشهر قونسول و وکیل تجارتخانه آلمان را دستگیر نموده‌اند و لازم دانست خاطر مبارک را مستحضر از این قضیه حق‌شکنانه نمایم. واسموس " (همان: ۱۸۱). با این عمل موجبات نقض بی طرفی ایران فراهم (همان: سند شماره ۱۶، ۱۹۲) شد. مسئول ژاندارمری رونوشت این دو تلگراف را که از کارگزاری فارس به وزارت داخله مخابره شده بود، به وزارت امور خارجه ارسال می‌کند. همچنین، تلگرافی از وزارت داخله به ایالت فارس ارسال شد که در آن " تامین حیات او [واسموس] را ضروری " (همان: سند شماره ۷، ۱۸۲) دانسته است.

مخبرالسلطنه هدایت والی وقت فارس با اعتراض نسبت به نقض بی طرفی ایران توسط انگلیسی‌ها به تهران هشدار داد: " و اینکه مردم اعلی درجه افسردگی را از قضیه بوشهر و بندر ریگ [تعقیب و فرار واسموس] دارند... در بوشهر هم صلاح نیست قشون پیاده نمایند؛ زیرا که ممکن است پیاده کردن قشون تازه به اندازه‌ای

م/ ذیقعه ۱۳۳۳ق، غافلگیرانه به شهادت رسید. شهادت او در منطقه منجر به حملات تلافی‌جویانه جدیدی توسط مجاهدین شد. نیروهای انگلیسی که از پس این مبارزات برنیامدند، یک ماه بعد در ۸ اوت ۱۹۱۵م/ ذیقعه ۱۳۳۳ق، بوشهر را اشغال کردند و عملاً نقض بی طرفی ایران را به حد اعلی خود رساندند. در ۲۶ اوت/ ۱۶ ذیحجه، هیجده روز پس از اشغال بوشهر، در زمان فرمانداری نظامی انگلیس در آنجا، حاج علی و چهارده تن دیگر را که تا آن زمان در بوشهر زندانی بودند به شهر تانه هند تبعید کردند.

#### آغاز جنگ جهانی اول و نقض بی طرفی ایران

با آغاز جنگ در حالی که ایران رسماً اعلان بی طرفی کرده بود و " اعلان بی طرفی دولت ایران به همه حکام و مامورین سیاسی ایران مخابره " (سعادت، ۱۳۹۰: ۱۹۵) شده بود، سه ماه بعد از شروع جنگ، واسموس آلمانی در روزهای آخر ژانویه ۱۹۱۵ م/ بهمن ۱۲۹۳ ش/ ربیع الاول ۱۳۳۳ق از طریق " روستای شیخ سعد در کنار رود دجله در جنوب کوت العماره با دو نفر آلمانی دیگر، راهی مرز ایران شد " (پرتو، ۱۳۹۲: ۳۰). نیروهای انگلیسی نقض بی طرفی در ایران کرده، او را تعقیب کردند. دستگیری واسموس و دو همراه وی در فوریه ۱۹۱۵م ربیع الثانی ۱۳۳۳ق ( سفیری، ۱۳۹۳: ۵۱) بود. شرح این درگیری و گرفتاری واسموس را اسنادی از مهدیقلی مخبرالسلطنه، حکمران فارس، بازگو می‌کند. مخبرالسلطنه دو تلگرافی را که از طرف

اسباب تحریک بشود که اختیار از دست اولیای امور برود" (احرار، ۱۳۵۲: ۱۷۹/۱-۱۷۸).

او در ادامه می افزاید: "انگلیس از هر کس به حال مردم گرمسیر بهتر آگاه است و میداند که آنها در دفاع وطن خود از دولت خارجه واهمه ندارند، پس در این صورت نباید کاری کرد که به رگ تعصب این طوایف بر بخورد" (همان).

پنج ماه بعد از فرار واسموس، در ۲۰ ژوئیه ۱۹۱۵م. / هفتم رمضان ۱۳۳۳ ق و شش ماه پس از شروع جنگی که ایران در آن اعلام بی طرفی کرده بود، نیروهای انگلیسی با دخالت در امور داخلی و اسارت کنسول آلمان در بوشهر بی طرفی ایران را دوباره نقض کردند، که با واکنش عمومی روبرو شد. ژاندارمری فارس بدین امر اعتراض کرد (بیات، سند شماره ۹، ۱۸۴) و در تهران نیز افکار عمومی جریحه دار شد (کشف تلبیس، ۱۳۳۶: ۹۳).

این نقض بی طرفی ایران توسط نیروهای بیگانه ادامه و توسعه یافت تا اینکه در سمت جنوب نیروهای انگلیسی بوشهر را اشغال کردند: "انگلیس ها به مسئله بی طرفی ایران اعتنا ننموده به نام جلوگیری از طوایف تنگستانی و جلوگیری از تحریکات واسموس که بعد از فرار به سمت شیراز به تنگستان معاودت کرده و در آنجا اقامت داشت، در بوشهر تقریباً سی هزار نفر قشون سواره و پیاده با امکانات حربی و لوازم مقتضیه به ساحل ایران وارد ساختند و لشکرگاه خود را در بهمی که یک فرسخ جنوب بوشهر است معین نمودند. از اول محرم سنه ۱۳۳۳ تا اواسط شهر شعبان سنه مذکوره، قوای دفاعیه و توپ خانه به

اندازه لزوم تهیه نمودند. و در ضمن این شش ماه، تلگراف بی سیم و چراغ های برقی دریایی برای هدایت کشتی ها در لنگرگاه بوشهر ایجاد کردند" (سعادت، ۱۳۹۰: ۲۰۵-۲۰۴).

گرچه حضور نظامی انگلیس در ایران، که نوعی لشکر کشی به شمار می آمد، از آغاز قرن بیستم و قبل از جنگ جهانی اول اتفاق افتاده بود: "ناویان انگلیسی به منظور پاسداری از هیئت های خارجی در سال ۱۹۰۹ در بوشهر و در سال ۱۹۱۰ در لنگه پیاده شدند و در سال ۱۹۱۱ هم گارد محافظت کنسولی را تقویت کرده و یگان های سواره نظام هندی را به شیراز و اصفهان گسیل داشتند. در سال ۱۹۱۳ تشکیلات ژاندارمری ایران که افسران سوئدی امور فرماندهی آن را به عهده داشتند، در آن مناطق نظم و آرامش برقرار کرده بود، واحدهای سواره نظام هندی فراخوانده شدند، اما وقوع جنگ جهانی اول اوضاع را بیش از پیش وخیم تر گردانید؛ طوری که سرزمین ایران، به طور غیررسمی، به آوردگاه نیروهای متفقین و متحدین درآمد" (یاب و بوش، ۱۳۸۰: ۱۰۰-۹۹).

آنچه که از نقض بی طرفی ایران در منطقه تا اینجا نقل شد همه در کرانه های شمالی خلیج فارس رخ داده بود. اما حرکت نظامی که نیروهای انگلیسی علیه حاج علی تنگکی انجام دادند را می توان نخستین واکنش آشکار و درگیری مسلحانه نیروهای مردمی با انگلیسی ها در منطقه دانست.

#### موقعیت جغرافیایی تنگک

۱۲). در یکی از اسناد آن دوره آمده است: " صحرای ریشهر که متصل به تنگستان است وسیع و دارای طرق عدیده است " (بیات، ۱۳۸۱: سند شماره ۱۸، ۱۹۴). یکی از این راه‌ها به تنگک وصل می‌شد. یکی از مطلعین بومی در این باب گفته است: این منطقه دارای سه ناحیه مسکونی است که در گذشته آنها را تنگک‌های سه گانه، به نام تنگک اول، تنگک دوم و تنگک سوم می‌نامیدند. موقعیت جغرافیایی این تنگک‌های سه گانه از جنوب به شمال به این صورت است: تنگک اول یا تنگک صفر در ابتدای میدان برج مقام به طرف جاده حلیله بوشهر واقع است. تنگک دوم حد فاصل سه کیلومتری میدان برج مقام به طرف حلیله بوشهر قرار دارد. تنگک سوم به فاصله پنج کیلومتری میدان برج مقام تا جاده حلیله است (محمدی باغملائی: تیرماه ۱۳۹۳، مصاحبه). در پی وقایعی که در اوایل جنگ جهانی اول رخ داد، تنگک توسط انگلیسی‌ها اشغال شد و مرکز اردوی انگلیس بود (فرامرزی، ۱۳۷۷: ۳۲). یک شاهد محلی نیز نوشته است: "مقر فرماندهی نیروهای بیگانه در بوشهر، حد فاصل حلیله و بوشهر قرار داشت، که در آن زمان کاملاً تحت سیطره انگلیسیها بوده است" (حماسه رئیسعلی دلواری، ۱۳۷۳: ۶۹). و افزوده است: "نیروهای انگلیسی در شبه جزیره بوشهر، بهمنی و سبزآباد را مقر خود ساخته در مسیر تنگک، مقابل دشت مسیله صف آراسته بودند" (همان: ۱۰۷).

منطقه بوشهر در اصل یک شبه جزیره ای است که توسط یک باریکه به داخل کشور راه دارد. در

محل استقرار نیروهای انگلیسی در شبه جزیره بوشهر قسمت میانی آن بود که به فاصله اندکی از تنگک واقع شده است. در جنوب شرقی شبه جزیره بوشهر و در امتداد جاده ای که مرکز شهر بوشهر را به بندرگاه وصل می‌کند، در میان تپه‌ها و تنگه‌هایی که نقاط بلند شبه جزیره بوشهر به شمار می‌آید سه سکونتگاه وجود دارد که به ترتیب از شمال به جنوب تنگک محمد جعفری (رئسی) یا تنگک اولی، تنگک زنگنه یا تنگک دوم و تنگک سوم یا تنگک صفری یا تنگک غریب (کنین، ۱۳۸۷: ۹۹-۹۸) نامیده می‌شود. لوریمر، کنسول انگلیس در بوشهر، تنگک را شامل شش روستا می‌داند (Lorimer, 1908: IIA. 338). در حالی که یک محقق محلی فقط سه روستا را ذکر می‌کند. او می‌نویسد تنگک نام چند روستا در سمت جنوبی مدخل شبه جزیره بوشهر است که در سال‌های جنگ جهانی اول وقایع بسیاری در آنجا رخ داد. نام این روستاها عبارت است از: تنگک زائر عبداللطیف که تنگک صفر نام دارد. تنگک محمد جعفری، تنگک زنگنه و تنگک بوستانی (سعادت، ۱۳۹۰: ۲۳۱-۲۳۰). همه این روستاها اکنون از محلات شبه جزیره بوشهر هستند. این منطقه را که بیات یک فرسخی بوشهر (بیات، ۱۳۷۷: ۱۹) و فسایی یک فرسخ و نیم جنوبی بوشهر (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱۳۳۴) می‌داند، دروازه منطقه تنگستان به بوشهر محسوب می‌شد. در واقع، منطقه تنگک راه مستقیم و میان بری بود که بوشهر را به تنگستان ارتباط می‌داد. تنگک همین موقعیت را نسبت به ریشهر که بیلاق بوشهر است داشت (خاطرات حاج سیاح، ۱۳۵۹:

واقع، یک زمین مردابی و جلگه نمکزاری که جزیره بوشهر را از خشکی جدا می کند (سفرنامه ویلسن، ۱۳۶۳: ۲۰۹) معروف به مسیله است. در مدخل ورود به این شبه جزیره یک آبادی کوچک به نام برج مقام دیده می شود. از اینجا راه سه قسمت می گردد. یکی به طرف شمال و بندر بوشهر، دیگری به طرف شرق و بهمنی و سومی به طرف جنوب می رود که از تنگک می گذرد. مضافات بوشهر مشتمل بر ۲۰ قریه شامل: احمدی، باغ شکری، بندرگاه، بیدشهر، تنگک، چاه کوتاه، چاه ملا [باغ ملا]، جفره، حسینکی، دواس، دوبره و روائی (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱۳۳۴) بود. تنگک یکی از روستاهای مضافات بوشهر بوده است. لوریمر، کنسول انگلیس، با اشاره به این نکته که تنگک در حاشیه شرقی شبه جزیره قرار دارد، موقعیت آن در قبال دسترسی به تنگستان و چاه کوتاه را به خوبی نشان می دهد. او جمعیت آن را در آستانه جنگ جهانی اول یکصد خانوار ذکر می کند.

تنگک مسیر میانبری از تنگستان به سمت بوشهر بود که محل استقرار نیروهای انگلیسی را به صورت مستقیم در تیررس قرار می داد و تهدیدی برای آنان محسوب می شد و مبارزین و مجاهدین به راحتی می توانستند بر آنان بتازند. چیک، کنسول انگلیس در بوشهر، در مورد موقعیت خانه حاج علی تنگکی می نویسد: " نزدیکی ریشهر به بوشهر موضع او را نسبت به ما خطرناک تر می کند. خبرآور ما بارها از پناه بردن بسیاری از اشرار به خانه او خبر آورده اند " (پرتو،

۱۳۹۲: ۱۲۸-۱۲۷). بخش های تنگک، بهمنی و لیل<sup>۱</sup> از نقاط مهم و حساس بوشهر قبل از جنگ جهانی اول محسوب می شدند. یک شاهد عینی در این باره گزارشی از آن زمان دارد که اهمیت موقعیت تنگک را یادآور می شود. صولت الدوله قشقایی در سفری در ۲۹ دسامبر ۱۹۱۰م/ ۲۶ ذیحجه ۱۳۲۸ق، از طریق مسیله، وارد بوشهر شد و مورد استقبال دریابگی در برج مقام قرار گرفت. او که از آمدن قشقایی ها به بوشهر دلواپس و نگران شده بود، چندین روز خود را در خانه اش بیرون شهر منزوی کرد. اما برای محافظت از چهاربرج ۵۰ نفر تفنگچی از انگالی و ۳۰۰ نفر تفنگچی هم از چاه تلخ به بوشهر آورده و در بخش های تنگک، بهمنی و لیل قرار داده بود (بالیوز، ۱۳۸۶: ۲۵۳).

### شخصیت و اقدامات حاج علی تنگکی

حاج علی تنگکی از افراد سرشناس منطقه و از بستگان رئیسعلی دلواری و خالو حسین بردخونی بود. او در میان مردم از چنان محبوبیتی برخوردار بود که او را عنوان کدخدای تنگک و گاه ریشهر می شناختند. به این معنا که کدخدای مضافات (پیرامون) بندر بوشهر بوده است. حاج علی تنگکی " شخصی است مومن مقدس و باخدا و سابقا هم کلانتر سنگی و بهمنی که محله های یک فرسخی بیرون شهر است بود و اجازه مرخصی گرفت سال گذشته عازم مکه معظمه شد پس از مراجعت چون دیگری به جای او برقرار کرده بودند دیگر او را کلانتری ندادند ... موقرالذوله

1. Lyil

شبانکاره برای مقابله با حاج علی را داده است (همان: ۳۱۹). در آغاز جنگ جهانی اول، سال ۱۹۱۵م./۱۳۳۳ق.، چیک ویس، کنسول انگلیس در بوشهر کدخدای ریشهر را " عنصری خطرناک " (پرتو، ۱۳۹۲: ۱۲۷) می داند. حساسیت بیگانه نسبت به حاج علی تنگگی، نشانگر نقش مهم و حساس اجتماعی - نظامی او در منطقه بوشهر است.

### واکنش حکمران بوشهر در قبال اقدامات حاج علی تنگگی

حساسیت انگلیسی ها نسبت به حاج علی به سال های قبل از جنگ جهانی اول بر می گردد؛ زمانی که او با همکاری رئیس علی اقدام به تهیه اسلحه از مسقط کرده و آنها را در معرض فروش قرار می داد. نایب کنسول بریتانیا در بوشهر می نویسد: " حاج علی تنگستانی و رئیسعلی از سال ها پیش در کار تجارت دریایی بوده اند و اطلاعات کاملی از دست داشتن آنها در قاچاق اسلحه و فروش و توزیع آن در مناطق مختلف در دست است (پرتو، ۱۳۹۲: ۱۲۷). واقعیت آن است که رئیسعلی دلواری در سال های انقلاب مشروطه و استبداد صغیر در کنار روحانیت و نیروهای مبارز مردمی علیه استبداد و استعمار قیام کرده بود.

در بررسی اسناد موجود، چهار سند به شماره های ۲۳ و ۲۹ و ۳۱ و ۳۴ وزارت داخله حاوی دیدگاه موقرالذوله حاکم بنادر، علیه حاج علی تنگگی و شرح درگیری با او و کمک خواستن از قوای بیگانه و سه سند به شماره های ۴۸ و ۴۹ و ۵۱، له اوست. اسناد ۳۴ و ۱۶، علیه موقرالذوله

پولی زیاد از حاجی مرقوم گرفت مجددا در پنج ماه قبل کلانتری را به مشارالیه واگذار کرد (جام جم: ۱۳۳۳، ورقه فوق العاده). او " تا آن اندازه قدرت یافت که در امور شبه جزیره مداخله می کرد. این امر موجب کشمکش وی با موقرالذوله حکمران بوشهر گردید " (سعادت، ۱۳۹۰: ۲۳۱) و او را که رقیب سرسختش محسوب می شد از کدخدایی معزول نمود. " حاج علی تنگگی سابق بر این کلانتر مضافات بوشهر بوده و تمکینی از موقرالذوله نمی کرده است؛ به طوری که موقرالذوله او را عزل و زندانی کرد. اما به واسطه فشارهایی که بر او وارد آمد مجبور شد وی را آزاد سازد " (خیراندیش، ۱۳۷۰: ۳۳۳). تأثیر او در جامعه به صورتی بود که: " سالی یک هزار تومان زکات به فقرا می داد، سالی یک هزار تومان جنس به کربلا می فرستاد " (بیات: سند شماره ۴۸، ۸، رمضان ۱۳۳۳ق. ۲۲۳).

نقش موثر و تعیین کننده حاج علی تنگگی، کدخدای ریشهر، هشت سال قبل از جنگ جهانی اول در گزارش سال ۱۹۰۸م/۱۳۲۶ق آمده است: " او که خود تنگستانی است اطمینان داده که تنگستانی ها در بوشهر مشکلی به وجود نخواهند آورد " (بالیوز، ۱۳۸۶: ۱۵۴). گزارش سال ۱۹۱۳م/۱۳۳۱ق، یک سال قبل از جنگ جهانی اول، از علی بن زایرحیدر از بستگان کدخدای ریشهر نام می برد که همراه با رئیس علی دلواری و دیگران به زایرخضرخان پیوسته و موجبات وحشت شیخ حسین خان چاهکوتاهی را شده اند، شیخ حسین خان از حکمران درخواست کمک کرده و به او پیشنهاد استخدام یکصد تفنگچی از

تنگگی را در زمره اشرار تنگستان جلوه داده می‌نویسد: "سند مورخه ۲۲ رجب به کارگزاری راجع به علی تنگگی و اشرار تنگستانی با نهایت حیرت و استعجاب زیارت گردید" (همان: سند شماره ۳۴، ۲۰۸).

بر اساس اسناد موجود در چهارم رجب ۱۳۳۳ ه.ق. / ۱۹ مه ۱۹۱۵ م.، موقرالذوله طی تلگرافی به تهران برای سرکوب حاج علی تنگگی و سایر همزمانش، با تصور این که نیروهای مبارز بومی در هنگام حمله به مواضع انگلیسی‌ها در بهمنی و سبزآباد در راه بازگشت از منزل حاج علی به عنوان مخفیگاه و پناهگاه استفاده کرده و به کنسولگری انگلیس و بانک شاهی حمله خواهند کرد، از مرکز تقاضای کمک نظامی کرده بود (همان، سند شماره ۲۹، ۲۰۳). در حالی که: "منزل حاج علی در دهنه راه تنگستان بود انگلیسی‌ها چون مصمم شده بودند در آن محل برج و بارو بسازند و او قبول نکرده بود ... انگلیسی‌ها آن نقطه مقصود را تصرف نموده و خانه او را قلعه نمودند (عصرجدید: ۱۳۳۳، شماره ۳۶، ۵).

جام جم می‌نویسد: "منزل حاجی علی در یک فرسخ بوجمی (وجمی) بوشهر که اسم آنجا تنگک است می‌باشد و در این تنگک دوسه چاه آب شیرین می‌باشد ... انگلیسی‌ها مدتیست در صددند شاید به پول یا به زور کاری کنند که این چاه‌های آب و خانه حاجی علی که در تنگک است به تصرف خودشان ... به جهت قلعه ساختن و استحکامات ... باشد نه از طرف دشتستان و نه از طرف دیگری کسی را قدرت آمدن در بوشهر

حاکم بوشهر و سند ۲۹ اقرار او نسبت به خطایش است. سند شماره ۲۷ نگرانی والی فارس از نفرتی که به واسطه قضیه تنگک در جنوب حاصل شده، که با تکرار واقعه تنگک در شبانکاره پای قشون هندی در آنجا باز شود (بیات: ۱۳۷۷، سند ۲۷، ۲۱ شعبان سال ۱۳۳۳ ه.ق.، ۱۴۴). در سند شماره ۴۸ دیدگاه زایرخضرخان یکی از سران مجاهدین، به طور دقیق و مفصل پیوست نامه مهدیقلی مخبرالسلطنه حکمران فارس به وزارت داخله مربوط به حاج علی مطالبی مشاهده می‌شود. سند شماره ۵۱ از اسناد وزارت داخله ایران حاوی دیدگاه شیخ حسین چاهکوتاهی است که به روشن تر شدن سیر حوادث کمک می‌رساند. سند شماره ۴۹ دیدگاه ژاندارمری به عنوان نیروی سوم و تا حدودی بی طرف در این رابطه حائز اهمیت است.

با شروع جنگ جهانی اول حاج علی تنگگی، که از مخالفان سرسخت حضور بیگانه در جنوب ایران و بوشهر بود، به کمک مجاهدین تنگستانی و رئیسعلی شتافت. پس از آن بود که زد و خورد بین حاج علی تنگستانی کدخدای ریشهر، با نیروهای نظامی انگلیس در ۲۱ جمادی الثانی/ ۶ مه ۱۹۱۵ م. رخ داد. موقرالذوله حاکم بنادر در تلگرافی به وزارت داخله در ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۳۳ ق/ ۹ مه ۱۹۱۵ م. حاج علی تنگگی را با نام زایر علی و سرحلقه اشرار معرفی می‌کند (بیات، سند شماره ۲۳، ۱۹۷). در سند ارسال شده از حکومت بنادر به وزارت داخله در ۱۲ شعبان ۱۳۳۳ ق، که رونویس آن به وزارت خارجه نیز گزارش شده، موقرالذوله دوباره حاج علی



علی می فرستد تا او را بیاورند. حاج علی که به بی تقصیری خودش یقین داشت در آمدن امتناع ورزیده، از خود دفاع می کند. در درگیری ده نفر زن و مرد از طرف حاجی علی و یک نفر از آدم‌های موقرالذوله کشته می شوند. فردای آن روز موقرالذوله به اداره ژاندارمری امر می کند حاجی علی را دستگیر کرده نزد او ببرند. ژاندارمری که بی تقصیری حاج علی را می دانسته بهانه آورده، خواهان کسب اجازه از وزارت جنگ در مرکز می شود. موقرالذوله که مخفیانه با قونسول انگلیس هماهنگ کرده بود، یک عراده توپ با چند توپچی با ۲۵۰ نفر از سپاهیان هندی خانه حاج علی را محاصره می کنند. حاج علی با یازده نفر از خانه بیرون آمده عازم فرار می شود که مورد اصابت گلوله قرار گرفته زخمی و به امامزاده نزدیک خانه خود پناهنده می گردد. سپاهیان هندی به خانه او حمله کرده، اسباب خانه و پول نقد او را که ده هزار بوده غارت و خانه‌اش را ضبط می کنند (جام جم: سال اول، ۳ رجب ۱۳۳۳ق، ۸).

ماجرای لشکر کشی انگلیسی ها علیه کدخدای ریشهر با کمک و همیاری موقرالذوله، در تهران انعکاس گسترده ای یافت و "بالا نشین ها را آزرده" (پرتو، ۱۳۹۲: ۱۳۲) کرد. مقامات دولتی موقرالذوله حاکم بوشهر را که به هواداری و کمک انگلیسی ها با یکی از افراد سرشناس بوشهر، یعنی حاج علی تنگکی، درگیر شده بود توییح لفظی کرده و از اینکه موقرالذوله از نیروهای انگلیسی در سرکوب حاج علی استفاده کرده بود، ابراز نارضایتی کردند: "موقرالذوله به خاطر اقدام

و هجوم بر انگلیسی ها نیست (جام جم: ۱۳۳۳، ورقه فوق العاده).

موقرالذوله به ژاندارمری بوشهر دستور حمله و دستگیری حاجی علی را داد. اما ژاندارمری که تحت تأثیر جمعی از رجال تحصیل کرده و با نفوذ شیراز که مخالف انگلیس بودند قرار داشت، از اجرای این حکم سر باز زد. موقرالذوله ناچار به انگلیسی ها متوسل شد. انگلیسی ها با ۲۰۰ نفر سرباز هندی و انگلیسی اقدام به حمله کردند. در هفتم ماه مه ۱۹۱۵م/ اردیبهشت ۱۲۹۴ ش. ۲۱/ جمادی الثانی "نیروهای انگلیسی به کمک موقرالذوله به تنگک هجوم آوردند و زایر علی تنگکی و اتباعش را به جرم برنامه ریزی برای بسیج افراد مسلح و یورش به کنسولگری بریتانیا تار و مار کردند" (حماسه رئیس علی دلواری، ۱۳۷۳: ۲۷). موقرالذوله زمانی که با اعتراض عمومی و مقابله نیروهای مردمی روبرو شد به اشتباه خود اقرار کرد: "بنده خودم معترفم که استمداد از گارد قونسولگری اساسا امری غلط بوده" (بیات، سند شماره ۲۹، ۲۰۳)، اما در توجیه عملکرد خود در همکاری با نیروهای انگلیسی، گناه را به گردن دولت انداخت (همانجا). در حالی که با بررسی گزارش چیک، نایب کنسول انگلیس در بوشهر، معلوم می شود که از قبل هماهنگی و همکاری لازم با موقرالذوله برای دخالت انگلیسیان در این مورد شده بود (پرتو، ۱۳۹۲: ۱۳۱-۱۳۰).

انعکاس این واقعه در جامعه به این صورت بود که موقرالذوله در شب پنجشنبه ۲۱ جمادی الثانی/ ۷ مه ۱۹۱۵م. چند نفر پلیس به خانه حاج

علیه یکی از معاریف بوشهر به نام حاج علی تنگکی سخت تحت فشار بوده است؛ زیرا موقرالذوله با کمک نیروهای انگلیسی به خانواده و اتباع حاج علی تنگکی حمله کرده و او را با عده‌ای اسیر و مضروب ساخته بود " (خیراندیش، ۱۳۷۰؛ ۳۳۳). مطبوعات آن زمان قشون کشی انگلیس علیه یک نیروی مردمی مدافع کشور را نقض بی طرفی و دخالت آشکار در امور ایران تلقی کرده، به شدت به این حادثه اعتراض کردند:

" از موقرالذوله نمی‌پرسید ... در صورتی که مبلغ زیادی تفنگچی و سوار و توپچی و پلیس و غیره از دولت پول می‌گیرند ... با اجازه کی مدد از قونسول انگلیس می‌خواهی که دویست و پنجاه نفر سپاهی هندی بروند با یازده نفر که آن هم بدون تقصیر و یاغی دولت هم نبوده بجنگند ... موقرالذوله امروزه در جنوب تماما برخلاف بی‌طرفی و استقلال ایران رفتار می‌کند ... به خدا قسم اگر چندی دیگر موقرالذوله در بوشهر بماند دولت ایران باید فاتحه بنادر را بخواند " (جام جم: ۱۳۳۳، ورقه فوق العاده).

پس از اتمام درگیری به نفع نیروهای انگلیسی، آنان که رئیسعلی را مسبب این واقعه تصور می‌کردند با تعجب اظهار می‌دارند که " از رئیسعلی خبری نیست " (پرتو، ۱۳۱: ۱۳۹۲).

در تاریخ ۱۷ رجب ۱۳۳۳ ه.ق. / اول ژوئن ۱۹۱۵ م. موقرالذوله دوباره تلگرافی از بوشهر به تهران برای وزارت داخله مخابره کرده و در مقام

دفاع از خود با فرافکنی، هم‌صدا با انگلیسی‌ها، همکاری همه‌خوانین علیه نیروهای انگلیسی در بوشهر را به تحریک و اساموس و اقدام حاج علی تنگکی دانسته و می‌گوید: " اگر هر تلگراف از برازجان عرض کنند بدانند از این اشخاص است تحریکاتی که بر خلاف انگلیسیان از طرف اساموس شد نتیجه اش بر انگیختن علی تنگکی و شرارت او بود " (بیات، سند ۳۱، ۲۰۶-۲۰۵). او در تلگراف ۱۲ شعبان ۱۳۳۳ ق. / ۲۵ ژوئن ۱۹۱۵ م خود به وزارت داخله، گناه را به گردن زمامداران مملکت انداخته، خود را تبرئه می‌کند (همان: سند ۳۴، ۲۰۹-۲۰۸). در پاسخ او، ژاندارمری مرکز در حمایت از نظرات مجاهدین، در تاریخ ۱۴ جمادی الاول سال ۱۳۳۳ ق. / ۲۹ آوریل ۱۹۱۵ م تلگرافی در مورد موقرالذوله به وزارت داخله مخابره کرده مبنی بر اینکه: " حاکم بوشهر محتاج است که به وی بفهماند که آیا مشارالیه تابع اوامر دولت ایران است یا مطیع امر مامورین انگلیس ... حاکم بوشهر انگلیسی‌ها را در اموراتی دخالت داده است که ابتدا ربطی به ایشان نداشته است " (همان: سند شماره ۱۶، ۱۹۱). در همان حال مجاهدین در نامه‌ای به مهدیقلی مخبرالسلطنه<sup>۱</sup>، حاکم ایالت فارس، او را ملجا قرار داده سعی کردند صدای خود را به گوش مسئولین و دولتیان در مرکز برسانند. مخبرالسلطنه نیز که دولت انگلیس، با اشکال تراشی، سعی در برکناری او از حکومت فارس داشت، در ۲۴ رمضان ۱۳۳۳ ق. / ۶ اوت

فارس بود. او کمال همراهی و همدردی را با ملت ایران ابراز داشت و وطن پرستان را حمایت کرد (رکن زاده آدمیت، ۱/ ۱۳۴۹: ۲۹).

۱. مهدیقلی خان مخبرالسلطنه هدایت از نواده های رضاعلی خان امین الشعرا متخلص به هدایت در زمان جنگ جهانی اول والی ایالت

امنیت تمام مردم منطقه را یادآور می‌شود: " ماها مرتب در خطریم امروز به سر ماها بریزند یا فردا... دولت اقدام به مکافات حاجی مظلوم کرده که ما امیدوار باشیم [و] آسوده شویم " (همان: سند شماره ۴۸، ۲۲۳-۲۲۲).

پوسیت، یکی از فرماندهان ژاندارمری شیراز، طی نامه ای به ژاندارمری مرکز در ۹ رمضان ۱۳۳۳ه.ق. ۲۲/ ژوئیه ۱۹۱۵م با اشاره به این وقایع اعلام می‌دارد: " تماما تقصیر حاکم بوشهر [موقرالذوله] می‌باشد (چون که حاکم مزبور فقط هم خود را مصروف اجرای احکام انگلیسی‌ها می‌نماید) " (همان: سند شماره ۴۹، ۲۲۴). در بررسی این اسناد مشاهده می‌شود که هدف موقرالذوله در قبال انگلیس، کنترل نیروهای مردمی و تثبیت اوضاع برای پیاده کردن برنامه‌های آنها در منطقه و تامین منافع آنان است. لذا شیخ حسین خان چاهکوتاهی از حکومت خواهان عزل موقرالذوله (همان: سند شماره ۵۱، ۲۲۵) شده و زایر خضرخان نیز در نامه اش به غضنفرالسلطنه تاکید می‌کند: " ماها بی تقصیری حاج علی دیده ایم که چه بر سرش آوردند " (همان: سند شماره ۴۸، ۲۲۳).

در همین زمان بود که انگلیسی‌ها مقدمات پیاده کردن نیرو در بوشهر و تصرف کرانه‌های شمالی خلیج فارس را آغاز کردند: " بیست و ششم مه امروز خبر پیاده شدن سربازان انگلیسی در بندر لنگه و افزوده شدن بر شمار سربازان انگلیسی در بوشهر رسید ... انگلیس به طور جدی قصد تصرف همه جنوب ایران را دارد " (نیلستروم، ۱۳۸۹: ۲۴).

۱۹۱۵م نامه ای برای وزارت داخله مخابره و در آن مقاصد مجاهدین، از جمله شیخ حسین چاهکوتاهی را که موقرالذوله با او مخالف بود، مشخص کرد (همان: سند شماره ۵۱، ۲۲۵). این‌گونه مکاتبات همچنان ادامه داشت. مخبرالسلطنه از ایالت فارس به وزارت داخله برای اطلاع و نظر آنان تلگرافی در ۸ رمضان ۱۳۳۳ ق/ ۲۱ ژوئیه ۱۹۱۵م ارسال داشت که پیوست آن نامه زایر خضرخان تنگستانی به غضنفرالسلطنه، خان برازجان بود. این تنها سندی است که در آن، به طور مفصل، آنچه رخ داده از دیدگاه نیروهای مردمی آورده شده است. در نامه، زایرخضرخان، ضمن معرفی شخصیت حاج علی تنگی، از دولت خواهان کنترل اقدامات انگلیس در منطقه و مشروح همکاری مستقیم و موثر موقرالذوله حاکم بوشهر با نیروهای انگلیسی در آن آورده حتی تعداد آسیب دیدگان این درگیری را که " بیست نفر همراه و هم‌سنگر حاج علی بودند و هر کدام ده نفر تحت عائله و تکفل داشتند " (همان: سند شماره ۴۸، ۲۲۳)، ۲۰۰ نفر ذکر می‌کند. در درگیری قشون انگلیس و افراد موقرالذوله مجروحین و مصدومین به امامزاده عبدالمهیمین پناه برده و در آنجا متحصن شدند. انگلیسی‌ها نه تنها به تحصنی که در آن زمان رونق و حرمت و اهمیت بسیار داشت احترام نگذاشته و اعتنا نکردند، بلکه توسط حاکم بوشهر موقرالذوله و دخالت مستقیم قشون خود متحصنین را تحت محاصره و تنگنای شدید آب و آذوقه قرار داده و سرانجام به اسارت درآوردند. زایرخضرخان طی این نامه به امنای دولت، عدم

## ادامه نقض بی طرفی ایران پس از دستگیری حاج علی تنگی

پس از اشغال بوشهر در سی ام رمضان ۱۳۳۳ ق. / هشتم اوت ۱۹۱۵ م که موقرالذوله بدون مقاومت بوشهر را به انگلیسی ها تسلیم کرده (شهرسبزی، ۱۳۸۳: ۷۰) و پرچم انگلیس به جای پرچم ایران در آن بندر برافراشته شده بود (اوکانر، ۱۳۷۶: ۱۰۷)، انگلیسی ها برای کنترل افکار عمومی، او را از حکمرانی بنادر معزول و اداره امور آنجا را مستقیماً خود به دست گرفتند (خیراندیش، ۱۳۷۰: ۳۳۴) و با این اقدام، عملاً، استقلال ایران را خدشه دار کردند. حاج علی تنگی و " چهارده نفر بوشهری مظلوم بی گناه آزادی خواه و وطن پرست که جرمی جز تعصب ملی و وطن خواهی نداشتند، با یک کشتی پستی سریع السیر از بوشهر به هندوستان تبعید و در بدترین نقاط آب و هوایی به مدت یکسال حبس کردند (رکن زاده آدمیت ۱۳۴۹: ۱/ ۱۶۸). در این زمان انگلیسی ها برای قدردانی و حمایت از موقرالذوله، که همکاری با آنان را در به دام انداختن حاج علی به اتمام رسانده بود و از دوستانشان به شمار می رفت، و برای ادامه همکاری او نقشه جدیدی کشیدند: " او را به بمبئی فرستادند. تا ایام بازنشستگی را سپری کند " (فراشبندی، ۱۳۶۵: ۳۱). او " در آنجا موظف انگلیس ها بود و ماهیانه سه هزار روپیه از دولت انگلیس دریافت می نمود " (سدیدالسلطنه، ۱۳۴۲: ۶۳۴).

انگلیسی ها پس از اسارت حاج علی تنگی و تعدادی از مجاهدین در حالی که بی طرفی ایران را نقض کرده بودند، تنگک را اشغال (فراشبندی، ۲۸) و در پاسخ به مقاومت نیروهای مردمی منطقه و تداوم و تکمیل اشغالگری خود، با نیروهای نظامی، به بمباران قریه دلوار پرداخته، آنجا را به مدت چهار روز به گلوله بستند (پرتو، ۱۳۹۲: ۱۴۵). اشغال بوشهر به تلافی کشته شدن افرادشان در درگیری با رئیسعلی بود. پنج روز پس از آن، در آنجا حکومت نظامی اعلام کردند؛ قوای نظامی را مصادره و کشتی های ایران و افراد صاحب قلم و صاحب نفوذ را توقیف کردند؛ فعالیت بعضی از شرکت های تجاری ایرانی و خارجی و تجار در بوشهر را منع کردند (سفیری، ۱۳۹۳: ۵۳). این حرکت و اشغال نظامی انگلیس در ایران، در پنجم اوت ۱۹۱۵ م. ۲۷/ رمضان ۱۳۳۳ ه. ق. همراه با حکومت نظامی در بوشهر، سه ماه بیشتر طول نکشید. در تاریخ ۱۶ اکتبر ۱۹۱۵ م. / ذیحجه ۱۳۳۴ دوباره شهر و شبه جزیره بوشهر، به طور رسمی، به دولت ایران واگذار شد و حکمران ایرانی زمام امور را در آنجا به دست گرفت (فلور، ۱۳۸۷: ۵۹).

## اعتراضات به دستگیری حاج علی و ادامه نقض

### بی طرفی ایران

با اقدام نظامی علیه حاج علی تنگی، در روستای تنگک و اسارت او و همراهانش، رئیسعلی و همزمانش در مقابل این تجاوز ساکت نشستند و برای نشان دادن اعتراض خود به عملیات تلافی جویانه دست زدند

کرده بودند - قرار گرفتند و قبل از آنکه بتوانند از آنجا فرار کنند، سروان رنکینگ و سرگرد الیفانت و یک نفر سپاهی جان باختند و دو سپاهی دیگر نیز مجروح گردیدند (بالیوز، ۱۳۸۶: ۳۵۱-۳۵۰). پس از این وقایع، دیگر مسئله اصلی نقض بی طرفی ایران نبود؛ بلکه اشغال نظامی مطرح شده بود که از این پس اقدامات عملی برای بیرون راندن متجاوزان مد نظر نیروهای مبارز محلی قرار گرفت.

### بحث و نتیجه‌گیری

اگرچه تنگک روستایی کوچک در مجاورت بوشهر و متصل به تنگستان بود؛ اما عزم و اراده مردم آن در برابر بیگانگان، آغازگر رشته وقایعی شد که به سرعت یک واقعه محلی را مبدل به پدیده‌ای ملی کرد. سمت‌گیری این واقعه محلی اعتراض به نقض بی طرفی ایران، یعنی سیاست رسمی دولت مرکزی در قبال جنگ جهانی اول بود؛ اگرچه در پاسخ به این نقض بی طرفی و زیر پا گذاشتن حاکمیت ملی، لازم بود دولت مرکزی اقدامات عملی، مانند دفاع نظامی را انجام دهد، اما در غیاب چنین نیرویی، این نیروهای محلی صفحات جنوب کشور بودند که با تحمل مصایب بسیار از مرزهای ایران دفاع کردند. سرآغاز این رویدادها حول شخصیت‌هایی چون حاج علی تنگکی بود که پس از اسارت و تبعید او، رئیسعلی دلواری در منطقه کوچک و دور دست

(مشایخی، ۱۳۹۰: ۳۸). در روز ششم ژوئیه ۱۹۱۵م / ۲۳ شعبان ۱۳۳۳ق هنوز حاج علی تنگکی در زندان حکمران بوشهر بود که شیخ حسین چاهکوتاهی و زایرخضر طی اعلانی مبنی بر جهاد و دفاع، خواهان "رها کردن حاج علی و همراهان و استرداد اموال منهوئه ایشان لاغیر ... حسین چاکوتاهی - خضر تنگستانی (نوبهار: ۱۳۳۳، سال چهارم، شماره ۶۵، ۳) شده و در بوشهر توزیع و اعلام کردند که نیروهایشان آماده حمله به بوشهر است و اینکه: "آنان به اموال ایرانی‌ها و اتباع غیر نظامی خارجی‌ها صدمه نخواهند رساند و فقط می‌خواهند نیروهای انگلیسی را از بوشهر بیرون برانند. همچنین بازگشت آلمانی‌های روده شده و آزادی حاج علی تنگکی را از زندان حکمران فراهم آورند" (بالیوز، ۳۵۰).

متعاقب آن رئیسعلی هم در ۱۲ ژوئیه ۱۹۱۵م / شعبان ۱۳۳۳ق، به تلافی دستگیری حاج علی تنگکی، با نیروهای انگلیسی درگیر شد و تلفات سنگینی به آنها وارد کرد: "حمله‌ای که ... روز ۱۲ ژوئیه یا شب ۱۳-۱۲ ژوئیه برنامه ریزی شده بود ... گروهی از سواران به همراه سروان رنکینگ، معاون دوم بالیوز در بعدازظهرها به گشت‌زنی می‌پرداختند. این بار نیز تعداد ۲۵ نفر سپاهی دیگر به سرکردگی سرگرد الیفانت هم برای تعیین صحت و سقم این گزارش، آنها را همراهی کرده ... غافلگیرانه مورد حمله تفنگچی‌های دشمن [مجاهدان] - که ماهرانه خود را پنهان

اتباع انگلیس و انتقالشان به اهرم در تنگستان، آنها را وجه الضمان آزادی اسرای ایرانی قرار دادند. در نتیجه در ۸ اوت ۱۹۱۶م طی توافقی اسرای دو طرف مبادله گردیدند (پرتو، ۱۳۹۲: ۱۹۰).

۱. حاج علی تنگکی پس از یک ماه که در بوشهر اسیر بود، با دیگر ایرانیان اسیر شده، پس از یک سال اسارت در هندوستان، آزاد شدند. زیرا نیروهای ژاندارمری شیراز با زندانی ساختن

رویدادهای فارس و بوشهر در جنگ جهانی اول. تهران: انتشارات همسو.

تنگستانی، داریوش (۱۳۸۷). "نقش زیرخضرخان امیرالاسلام در قیام جنوب". مطالعاتی در باب تنگستان (مجموعه مقالات). تهران: انتشارات گلگشت.

جنگ جهانی اول در جنوب ایران (۱۳۷۳). ترجمه کاوه بیات. بوشهر: کنگره بزرگداشت هشتادمین سالگرد رئیسعلی دلواری.

حسینی فسایی، حاج میرزا حسن (۱۳۷۸). *فارسنامه* ناصری. ج ۲. تهران: انتشارات امیرکبیر.

حماسه رئیس علی دلواری (۱۳۷۳). سروده منسوب به سید محمد مضطر. مقدمه و تصحیح و توضیحات محمد دادفر. بوشهر: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.

خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت (۱۳۵۹). کوشش حمید سیاح و به تصحیح سیف الله گلکار. تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.

خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۷۰). "اسناد سیاسی میرزا علی محمدخان موقرالذوله حکمران بندر". فصلنامه مطالعات تاریخی علمی پژوهشی. شماره سوم و چهارم. سال سوم. پاییز و زمستان.

روزنامه رعد، شماره ۲، ۱۶ رجب ۱۳۳۳ هجری قمری. رکن زاده آدمیت، محمد حسین (۱۳۴۹). *فارس و جنگ بین الملل*. ج ۲. تهران: انتشارات اقبال.

سدیدالسلطنه (کبابی)، محمد علی خان (۱۳۴۲). *بندر عباس و خلیج فارس اعلام الناس فی احوال بندر عباس*. تصحیح و مقدمه احمد اقتداری به کوشش علی ستایش. تهران: کتابخانه ابن سینا.

سرلتی، حسام (بی تا). *تقویم تطبیقی یکصد و چهل و یک ساله*. تهران: انتشارات زوار.

سعادت، محمد حسین (۱۳۹۰). *تاریخ بوشهر*. به تصحیح و تحقیق عبدالرسول خیراندیش و عمادالدین شیخ الحکمایی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

*سفرنامه ویلسن یا تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران* (۱۳۶۳). ترجمه حسین سعادت نوری.

جنوب ایران آن را تداوم بخشید. خاستگاه اجتماعی این دسته از مدافعان مرزها زمینه ساز شکل گیری یک دوره مقاومت های مردمی در فارس و به خصوص، سواحل شمالی خلیج فارس شد که، در نهایت، به حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور انجامید که نمونه ای از پیوستگی تاریخ محلی و تاریخ ملی ایران در پیوند با تحولات جهانی به شمار می آید.

در اینجا، به عنوان یک مورد تحقیقی، یک شخصیت اجتماعی کمتر شناخته شده به نام حاج علی تنگی آغازگر سلسله حوادثی در یک محدوده محلی شد که سرانجام، در ابعادی ملی، مجال بروز و گسترش پیدا کرد.

## منابع

### کتاب ها

احرار، احمد (۱۳۵۲). *طوفان در ایران*. ج ۱. انتشارات نوین.

اوکانر، فردریک (۱۳۷۶). *خاطرات فردریک اوکانر کنسول انگلیس در فارس*. ترجمه حسن زنگنه. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.

بالیوز (۱۳۸۶). *مشروطیت جنوب ایران به گزارش بالیوز بریتانیا در بوشهر ۱۹۱۵-۱۹۰۵ م*. ۱۳۳۳-۱۳۲۳ ه. ق. ترجمه حسن زنگنه. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و بنیاد ایران شناسی شعبه استان بوشهر.

بامداد، مهدی (۱۳۴۷). *رجال ایران*. جلد چهارم. تهران: زوار.

بیات، کاوه (۱۳۷۷). *اسناد جنگ جهانی اول در جنوب ایران*. قم: مرکز بوشهرشناسی با همکاری انتشارات همسایه

----- (۱۳۸۱). *ایران و جنگ جهانی اول*. سازمان اسناد ملی ایران. تهران: پژوهشکده اسناد.

پرتو، افشین (۱۳۹۲). *گزارش های مستر چیک از*

انتشارات وحید.  
سفیری، فلورا (۱۳۹۳). پلیس جنوب ایران (اس.پی.آر.). ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی) و منصوره جعفری فشارکی (رفیعی). تهران: نشر تاریخ ایران.  
شهرسبزی، اسماعیل (۱۳۸۳). دلاوران دشتستانی. شیراز: انتشارات نوید.  
فراشبندی، علیمراد (۱۳۶۲). گوشه ای از تاریخ انقلاب مسلحانه مردم مبارز تنگستان، دشتی و دشتستان علیه استعمار. شرکت سهامی انتشار.  
----- (۱۳۶۵). جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری. شرکت سهامی انتشار.  
فرامرزی، احمد (۱۳۷۷). شیخ حسین چاه کوتاهی در جنگ مجاهدین دشتستان و تنگستان با دولت انگلیس. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.  
فلور، ویلم او (۱۳۸۷). ظهور و سقوط بوشهر. ترجمه حسن زنگنه. تهران: طلوع دانش.  
کشف تلبیس یا دورویی و نیرنگ انگلیس از روی اسناد محرمانه انگلیسی در باب ایران (۱۳۳۶). تبریز: نشر احیاء.  
کنین، عبدالحسین (۱۳۸۷). جغرافیای طبیعی و انسانی بوشهر. تهران: انتشارات طلوع دانش.  
گزارشهای سالانه سرپرسی کاکس سر کنسول انگلیس در بوشهر (۱۳۷۷). ترجمه حسن زنگنه. انتشارات پروین.  
مایرلی، جیمز فردریک (۱۳۶۹). جنگ جهانی اول. ترجمه کاوه بیات. چاپخانه آرمان.  
مشایخی، عبدالکریم (۱۳۹۰). مبارزات خالو حسین دشتی. چ ۱. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی..  
نیلستروم، گوستاو (۱۳۸۹). جنگ جهانی اول و فارس. ترجمه افشین پرتو. تهران: نشر آباد بوم.  
----- (۱۳۷۲). شاخه نبات. خاطرات سرگرد نیلستروم افسر سوئدی ژاندارمری ایران از وقایع فارس و نهضت تنگستانی (آوریل - سپتامبر ۱۹۱۵). ترجمه افشین پرتو. رشت.  
وادالار، (۲۵۳۶). خلیج فارس در عصر

استعمار. ترجمه شفیع جوادی. تهران: سحاب کتاب.  
یاب، ملکم و بوش، بریتون کوپر (۱۳۸۰). خلیج فارس در آستانه قرن بیستم. ترجمه حسن زنگنه. تهران: به دید.  
یا حسینی، سید قاسم (۱۳۹۱). رئیس علی دلواری تجاوز نظامی بریتانیا و مقاومت جنوب. تهران: پردیس دانش.  
----- (۱۳۸۷). "رئیس علی دلواری، سردار دریا". مطالعاتی در باب تنگستان (مجموعه مقالات). تهران: انتشارات گلگشت.

- Lorimer, G. 1908. *Gozetteer of the Persian Golf, Oman and central Arabia*. val. II Geographical and Statistical, Calcutto.

### نشریات

جام جم، سال اول، سوم رجب المرجب ۱۳۳۳ ق.  
شماره ۸، ورقه فوق العاده.  
عصر جدید، (سال اول) ۲۰ رجب المرجب ۱۳۳۳، شماره ۳۶.  
نوبهار، سال چهارم، اول شوال ۱۳۳۳، شماره ۶۵.